

# قصه آفرینش دایران

پیش از اسلام

در مدینه

در چند باره ای عجمی

سپاس بی قیاس خالق را که در بند و فطرت بیدار است  
و حکم شایسته می عادت او آن چیز که سمت اختر است  
و نهال بانوان  
و که او را خلق الله اکبر عالم کن فیکون و سرجه از بهایت  
تا انجام روزگار و کتابخانه علم بچوایان مکنون و مخزون بود بر صفی  
صافیة لوح محفوظ ایمان رقم زد موه که نون و الف تلم و مایه نظر  
نقش اندکین خط مشکین رقم زد یارب به رقمهای عجب و قلم  
در دست حضرت رسالت پیاده علی علیه السلام

و در روی دیو بر سبب کایات و خلاصه موجودات خاتم الانبیاء  
محمد المصطفی صلوات الله علیه و آله و سلم با وجود آنکه نامی آمو بود جهان  
کلامی معجز نظامی که قصاید عرب و بلخیانم از آیتان مثل آن عاجزانه  
از آن حضرت سمت ظهور یافت و بجهت دفع شرایه ظنون در سبب  
و حق و حق غیب غسان حرا و قلم در دست و شکاف او انداخته



\_\_\_\_\_

- مرشدان: بصیری، مریم  
 - عنوان و نام پدیدآور: قصهٔ آفرینش در ایران پیش و پس از اسلام  
 - مؤلف: مریم بصیری  
 - مشخصات نشر: تهران، انتشارات عصر داستان، ۱۳۹۳  
 - مشخصات ظاهری: ۴+۲۲۴ ص  
 - شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸-۱۷-۲  
 - وضعیت فهرست نویسی: فید  
 - موضوع: آفرینش -- اسطوره  
 - رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ب۶ ۱۷-۳۲۵ B1  
 - رده بندی دیویی: ۲۰۲۲  
 - شماره کد بیندسی ملی: ۳۴۶۶۲۴۴

# قصه آفرینش در ایران پیش و پس از اسلام

## ( قصه آفرینش در ایران پیش و پس از اسلام: مریم بصیری )

---

- ویراستار: شهریار سادات افتاده

- ضاح جلد: سعید ملک

- صفحه‌آرا: علی سعیدی

- نشر: **عصرداستان** (وابسته به بنیاد ادبیات داستانی ایران)

- نویت چاپ: اول، بهار ۹۳

- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۰-۱۷-۲

- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

- چاپ و صحافی: پردیس دانش

- **عصرداستان**: تهران، خیابان امتداد نجات‌آهنگی، کوچه نوید، پست چهارم، پلاک ۱

تلفن: ۸۸۹۰۸۲۶۰-۰۲۱، پست الکترونیک: [info@astedastan.ir](mailto:info@astedastan.ir)

- دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای شما، به شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۳۹۱۴

- مراکز پخش: ۱. ققنوس: ۰۲۱-۶۶۴۶۰۰۹۹

۲. کتابستان: ۰۲۵-۳۷۸۳۹۴۰۲

- فروش اینترنتی: پاتوق کتاب: [www.bookroom.ir](http://www.bookroom.ir)



|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۵  | پیشگفتار                                    |
| ۷  | کلام نخست                                   |
| ۱۱ | فصل اول: اساطیر و ادیان                     |
| ۱۱ | اسطوره چیست؟                                |
| ۱۸ | اتیمولوژی اسطوره                            |
| ۲۰ | کارکرد اسطوره                               |
| ۲۵ | انواع اسطوره در باورهای ایرانی              |
| ۲۸ | پیدایش اسطوره                               |
| ۲۹ | جهان‌بینی اسطوره‌ای                         |
| ۳۲ | جایگاه اسطوره‌ای انسان در باور اساطیری      |
| ۳۴ | ادیان باستانی و اساطیر                      |
| ۳۹ | اساطیر و ادیان باستانی در ایران             |
| ۴۶ | خاستگاه تمدنی اسطوره در ادیان مهری و زردشتی |
| ۴۶ | اسطوره و کیش مهری                           |
| ۴۹ | پیدایش دین مهری                             |
| ۵۶ | معرفی اساطیر مهری                           |
| ۶۰ | اسطوره و دین زردشتی                         |
| ۶۲ | پیدایش دین زردشتی                           |
| ۶۷ | معرفی اساطیر زردشتی                         |

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۷۲  | تمدن اسلامی                                                  |
| ۷۳  | اسطوره و قصه از دید قرآن                                     |
| ۷۹  | <b>فصل دوم: پیدایش اسطوره آفرینش</b>                         |
| ۷۹  | اسطوره آفرینش                                                |
| ۸۳  | اسطوره آفرینش در ایران باستان                                |
| ۸۶  | اسطوره آفرینش در کیش مهر                                     |
| ۹۱  | آفرینش در کیش مهری                                           |
| ۹۲  | اسطوره آفرینش در دین زردشتی                                  |
| ۹۴  | مراحل آفرینش، در آیین زردشتی                                 |
| ۹۸  | آفرینش آسمان                                                 |
| ۹۸  | آفرینش خورشید و ماه و ستارگان                                |
| ۹۹  | آفرینش آب                                                    |
| ۱۰۰ | آفرینش زمین                                                  |
| ۱۰۱ | آفرینش گیاهان                                                |
| ۱۰۲ | آفرینش جانوران                                               |
| ۱۰۲ | آفرینش انسان                                                 |
| ۱۰۶ | آفرینش اهریمن                                                |
| ۱۰۹ | قصه آفرینش در اسلام                                          |
| ۱۱۱ | مراحل آفرینش اسلامی                                          |
| ۱۱۳ | آفرینش آسمان                                                 |
| ۱۱۵ | آفرینش خورشید و ماه و ستارگان                                |
| ۱۱۶ | آفرینش آب                                                    |
| ۱۱۸ | آفرینش زمین                                                  |
| ۱۱۹ | آفرینش گیاهان                                                |
| ۱۲۰ | آفرینش جانوران                                               |
| ۱۲۱ | آفرینش انسان                                                 |
| ۱۲۶ | آفرینش ابلیس                                                 |
| ۱۳۰ | مقایسه تطبیقی پدیده آفرینش در ادیان مهر و زردشت و اسلام      |
| ۱۳۴ | مقایسه تطبیقی قصه آفرینش انسان، در ادیان مهر و زردشت و اسلام |

|                                                                                     |            |
|-------------------------------------------------------------------------------------|------------|
| مقایسه تطبیقی قصه آفرینش گیتی، در ادیان مهر و زردشت و اسلام                         | ۱۳۶        |
| <b>فصل سوم: زیرساخت‌های داستانی و دراماتیک آفرینش، در ادیان مهر و زردشت و اسلام</b> | <b>۱۳۹</b> |
| بررسی عناصر اصلی داستان و درام                                                      | ۱۳۹        |
| موقعیت و زیرساخت                                                                    | ۱۴۸        |
| زیرساخت‌های اسطوره آفرینش، در کیش مهر                                               | ۱۵۲        |
| زیرساخت‌های اسطوره آفرینش، در دین زردشت                                             | ۱۵۷        |
| زیرساخت‌های قصه آفرینش، در اسلام                                                    | ۱۶۴        |
| مقایسه تطبیقی زیرساخت‌های داستانی و دراماتیک آفرینش، در ادیان مهری و زردشتی و اسلام | ۱۶۷        |
| <b>فصل چهارم: نمودهای نمایشی آفرینش، در آیین‌های ادیان مهر و زردشت و اسلام</b>      | <b>۱۷۳</b> |
| آیین؛ نمود اجرایی اسطوره                                                            | ۱۷۳        |
| نمود عینی اسطوره در ادبیات                                                          | ۱۸۲        |
| آیین‌های کیش مهر                                                                    | ۱۸۷        |
| زیرساخت‌های اسطوره آفرینش و آیین‌های مهری                                           | ۱۹۸        |
| آیین‌های دین زردشتی                                                                 | ۲۰۰        |
| زیرساخت‌های اسطوره آفرینش و آیین‌های زردشتی                                         | ۲۰۵        |
| آیین‌های دین اسلام                                                                  | ۲۰۶        |
| زیرساخت‌های قصه آفرینش و آیین‌های اسلام                                             | ۲۱۴        |
| کلام آخر                                                                            | ۲۱۵        |
| <b>کتابنامه</b>                                                                     | <b>۲۱۹</b> |



سپاس دادار باشکوه و فرهمند را

سال‌ها قبل، با خواندن کتاب *آناهیتا* در اسطوره‌های ایرانی، کنجکاوی‌ام درباره اساطیر بیشتر تحریک شد و به مطالعه در حوزه اساطیر علاقه‌مند شدم. مایل بودم بدانم این روایت‌ها تا چه اندازه‌ای ممکن است حقیقت داشته باشد و بشر باستانی برای رسیدن به سرمنشأ هستی، چگونه این اساطیر را ساخته و پرداخته کرده است تا به هدف خود برسد. همین کنجکاوی موجب شد که علاوه بر مطالعات بسیار در این زمینه و نگارش چندین داستان و نمایش‌نامه اسطوره‌ای، پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی‌ارشد خود در رشته ادبیات دراماتیک را نیز درباره اساطیر ایران باستان بنویسم.

در طول تحقیق برای این پژوهش، دریافتم که آثار بسیاری در قالب کتاب و پایان‌نامه، موضوع اساطیر در ایران و یونان را بررسی کرده‌اند؛ اما کم‌تر اثری به تطبیق اساطیر و روایات اسلامی دست زده بود. پس از جست‌وجو در میان بیش از چهل پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و دکتری، در رشته‌های ادبی و نمایشی و دینی، مشخص شد که تحقیقات خاصی در این باره صورت نگرفته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسید بررسی چگونگی شکل‌گیری اساطیر آفرینش، با تأکید بر زیرساخت‌ها و جنبه‌های داستانی و دراماتیک آن‌ها و همچنین مقایسه آن‌ها با قصه آفرینش اسلامی، احتمالاً ثمربخش خواهد بود.

تعداد کتاب‌های موجود درباره اساطیر و سرفصل‌های این پژوهش،

بیش از دویست کتاب بود و مطالعه تمامی آن‌ها برای رسیدن به اهداف این پژوهش، کاری بود دشوار؛ هرچند، بعد از مطالعه تمامی کتاب‌ها، دریافتیم که برخی از آن آثار هیچ ارتباطی با اصل این پژوهش ندارند و از جنبه‌های دیگری به موضوع اساطیر پرداخته‌اند. ازسوی دیگر، با وجود روایات مختلف از یک واقعه، رسیدن به اصل واقعه با توجه به تفکیک کتاب‌ها به منابع دست اول و دست دوم، کاری بسیار وقت‌گیر و خارج از حوصله بود که به هر حال به سرانجام رسید.

درنهایت، فیش‌برداری از قرآن کریم و ۱۲۵ کتابی که ارتباط بیشتری با این موضوع داشت، پایان یافت. با وجود این، به دلیل تعدد موضوعات جزئی‌تر، مجالی برای استفاده از همه آن‌ها در این تحقیق فراهم نشد و یادداشت‌ها در میان قفسه کتاب‌های اساطیری‌ام به یادگار ماند.

گفتنی است در این کتاب، در ذکر نقل قول‌ها از مآخذ موجود، اصل امانت‌داری رعایت شده و حتی رسم الخط آن‌ها، با ذکر منبع، به همان صورت اولیه به کار گرفته شده است؛ از این رو، گاهی، تفاوت‌هایی در زبان و رسم الخط اثر و منابع ذکر شده مشاهده می‌شود.

این پژوهش با راهنمایی‌های دکتر سعید اسدی و فرزاد معافی غفاری گردآوری شده است. با وجود همه کاستی‌های احتمالی، باشد که در نظر آید و در زمینه مطالعات اسطوره‌ای، راه‌گشای دانشجویان و پژوهش‌گران جوان باشد.

جوزف کمبل کسی را هنرمند می‌داند که اسطوره را به زمانه خود منتقل کند. باوجود این، گذشته‌های اساطیری ممکن است شکل و شمایل هنری به خود بگیرد و دست‌مایه کار هنرمند شود. اساطیر و حکایات، پیش‌نمونه روایت‌های مختلف هستند و داستان‌ها الگوی تکامل‌یافته آن‌ها. اساطیر به علت جهانی بودن، سرچشمه گونه‌های ادبی و نمایشی مدرن هستند و با روایات بدوی در ارتباط‌اند.

از میان تمام اساطیر، اسطوره آفرینش مهم‌ترین مبحث در جهان باورها و دنیای اساطیری هر قوم و آیینی است. برای شناخت هر پدیده و آشنایی با هر جهان‌شناسی اساطیری، ابتدا باید به بحث آفرینش و هست شدن موجودات پرداخت و پس از آن، به دیگر عناصر زمینی و فرازمینی جهان در آن ساحت اشاره کرد.

اسطوره آفرینش با اعتقادات مردم جهان آمیخته شده است. بشر، همواره، برای به دنبال چرایی و دلیل هستی جهان و خود، می‌گردد. در طول تاریخ، انسان همواره به دنبال خالق و آفریننده خود بوده است و چون نتوانسته جوابی برای آن پیدا کند، افسانه‌هایی درباره آغاز خلقت خلق کرده و در حد اندیشه خود، برای هر پدیده فلسفه‌ای مطرح کرده تا با اتکا به آن‌ها، بتواند پاسخ‌گوی پرسش‌های خود باشد. شناخت اساطیر آفرینش موجب می‌شود که بشر، برپایه داستان‌ها و افسانه‌ها، از زایش‌ها و پیدایش‌ها مطلع شود و به گونه‌ای، از اصل و آغاز خلقت و ریشه موجودات آگاه گردد و به راز تکوین کائنات پی ببرد.

چگونگی شکل‌گیری جهان و خلق اولین پدیده‌های کیهانی، جانوری، گیاهی و... و همچنین، بررسی ویژگی‌های نمایشی این شکل‌گیری و تقابل خیر و شر در آفرینش پدیده‌ها، خود، موضوع درخور تأملی برای گشت و گذار در اساطیر باستانی است. این کندوکاو بشر را با جذابیت‌های رمزگونه اسطوره آفرینش در ادیان مختلف و به‌خصوص دین‌های رایج در ایران باستان و نیز با آفرینش در اسلام آشنا می‌سازد.

در ایران باستان، در ادیان زروانی، مهری، زردشتی، مانوی و مزدکی، این اسطوره به اشکال گوناگون با باورهای دینی درهم آمیخته و پاسخ‌گوی معماهای حل‌نشده بشر درباره چگونگی آفرینش شده است. ادیان مهر و مزدیسنا دین‌های بسیار مهم باستانی بودند و حوزه اساطیری و خواستگاه‌شان مختص ایران بود؛ بنابراین، در تحقیق حاضر، این دو دین انتخاب و آفرینش در آن‌ها با آفرینش در اسلام که نقطه عطفی در ادیان ایرانی بود، مقایسه شده است.

این پژوهش می‌کوشد که زیرساخت‌های اسطوره‌ای ادبی اسطوره آفرینش را در ادیان مهری و زردشتی بررسی کند و تطبیق دهد و آن‌ها را با دیدگاه‌های اسلامی درباره آفرینش مقایسه کند و سپس، جنبه‌های مشترک داستانی و دراماتیک آن‌ها را با توجه به راز آفرینش استخراج کند. بنابراین، به نظر می‌رسد بتوان به زیرساخت‌ها و آیین‌ها و رفتارهای نمایشی هم‌سان، در ایران قبل و بعد از اسلام رسید. به همین منظور، با مطالعه‌ای تحلیلی تطبیقی، با کشف زیرساخت‌های ادبی و موقعیت‌های نمایشی این اساطیر و همچنین، عناصر مشترک و درخور بررسی، در میان باورهای مربوط به آفرینش و نمودهای آن نتایجی حاصل شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود برخی اختلافات، بن‌مایه‌های مشابهی در این ادیان وجود دارد و در روایات مختلف مربوط به آفرینش انسان و پدیده‌های جهان، بین اسطوره و دین و آیین، اشتراکاتی دیده می‌شود. همچنین، داستان‌ها و نشانه‌های نمایشی ادیان قبل و بعد از اسلام هم‌سانی بسیاری باهم دارند.

کشف و توصیف زیرساخت‌های مشترک در اسطوره آفرینش، در باورهای ایرانی قبل و بعد از اسلام و اثبات وجود نشانه‌های نمایشی در

این ادیان، هدف اصلی تحقیق است؛ اما این اثر، در اهداف فرعی خود، بر آن است جلوه‌های نمایشی آیینی زیرساخت‌های اسطوره آفرینش را در ایران پیش و پس از اسلام بررسی کند و سپس، در پی یافتن نمودهای اسطوره آفرینش در آیین‌های نمایشی ایران باشد. عناصر نمایشی خود را به صورت نیروهای ماورایی و افسانه‌ای، در ادیان نشان داده‌اند و می‌توان از آن‌ها به کشف هویت انسان دست یافت.

باتوجه به اینکه بن‌مایه تمام زیرساخت‌های نمایشی در داستان آفرینش خلاصه می‌شود، پرداختن به این مسئله اولین قدم پژوهش است. همچنین، گفتنی است که در این پژوهش، منظور از زیرساخت‌ها همان ظرفیت‌های داستانی و دراماتیک قصه‌های اساطیری، برپایه موقعیت‌های مختلف و رابطه میان قهرمان با جهان یا رابطه‌اش با دیگر شخصیت‌هاست.

از آن‌جا که وضعیت‌های نمایشی اساطیر مهم است و نه چگونگی روایت یا حقیقت‌مانندی آن‌ها، اشاره چندان‌ی به فن شعرارسطو و مباحث شش‌گانه تراژدی نخواهد شد و تنها، از دیدگاه ساختارگرایان که زیرساخت‌های نمایشی را هسته داستانی و مایه‌های اصلی اثر می‌دانند به اساطیر نگریسته خواهد شد.

از دیدگاه ولادیمیر پراپ، زیرساخت‌ها در داستان‌های مختلف تقریباً یک‌سان هستند و مدام، در آن‌ها تکرار می‌شوند؛ بنابراین، این تکرار مدنظر قرار گرفته است تا این شباهت‌ها کشف شود. همچنین، تلاش بر آن است که بدانیم آیا می‌توان بین این زیرساخت‌ها ارتباط منطقی برقرار کرد.

با تحقیق در میان آثار مکتوب مربوط به این موضوع، مشخص شد اغلب آن‌ها فقط به ماهیت اسطوره آفرینش پرداخته‌اند یا اینکه جنبه‌های نمایشی اساطیر را به‌طور کلی بررسی کرده‌اند. در واقع، هیچ اثری زیرساخت‌های آفرینش را در ادیان مهری و زردشتی و اسلامی، دقیقاً بررسی نکرده بود.

با این وصف، این تحقیق می‌کوشد که دیدی نوبه آفرینش در این سه دین داشته باشد و بین اسطوره‌های آفرینش در ادیان سه‌گانه مذکور،

مقایسه‌ای تطبیقی انجام دهد؛ پس، ابتدا به ریخت‌شناسی و تجزیه اسطوره‌های ادیان مهر و زردشتی و اسلام خواهد پرداخت و سپس، ویژگی‌های هر اسطوره و نمونه‌های برآمده از آن را بررسی خواهد کرد. درضمن، علاوه بر کشف زیرساخت‌های اسطوره آفرینش در این ادیان، شناخت و بررسی آیین‌های نمایشی آن‌ها را نیز مدنظر خواهد داشت.

### اسطوره چیست؟

اسطوره بیان سمبولیک و تخیلی پدیده‌های طبیعت در جهان است که منشأ آن اغلب، افسانه‌های مقدس مردم باستان و خاطرات آنان است و حوادثی که برای آنان روی داده است. افسانه<sup>۱</sup> زائیده خیال است و مرجع ایمان کسی نیست؛ اما، اسطوره با معتقدات مذهبی مردم همراه است.

افسانه‌ها داستان‌های پراکنده و بی‌سامان‌اند که می‌توانند مایه‌ها و بنیادهایی ساختاری شمرده شوند که سرانجام، اسطوره از آن‌ها پدید خواهد آمد... افسانه‌ها پاره‌هایی گسسته و مایه‌هایی خام از گونه‌ای جهان‌شناسی رازآمیز و باستانی می‌توانند بود که آن را اسطوره می‌نامیم (کزازی، ۱۳۸۵: ۲)

نگاه اسطوره‌ای به جهان، ابتدایی‌ترین تلاش بشر برای تسلط بر طبیعت درونی و بیرونی وی بوده است. جدایی از طبیعت بیرونی موجب سرکوب شدن طبیعت درونی بشر شده و او کوشیده است به مدد اسطوره حفره‌ای را پُر کند که در این باره در ذهنش ایجاد شده است. بشر در دوران باستان، با تقلید از کردارهای خدایان و قهرمانان اساطیری علاوه بر پُر کردن حفره‌های ایجادشده، خود را از زمان فانی دور و به زمان مقدس خدایان نزدیک کرده است.

اسطوره‌ها نیز در این زمان مقدس، همچون چراغ راه، باعث می‌شوند ذهن

---

1. Legend

بشر همیشه در تماس با تجربیات زنده باشد. در واقع، وقتی انسان به الگویی برای زندگی دیگران تبدیل می‌شود، به سوی اسطوره‌ای شدن گام برمی‌دارد. در طول تاریخ، مکاتب بسیاری با تعاریفی مختلف، از اسطوره سخن رانده‌اند که در گونه‌ای جمع‌بندی، می‌توان برخی از آن تعریف‌ها را چنین ارائه کرد:

اسطوره بیان نمادین ارتباط متقابلی است که انسان، میان پدیده‌های گوناگون و خود برقرار می‌کند.

اسطوره تصویر نمادین پدیده‌های طبیعت است به زبانی مشاهده‌پذیر. اسطوره بیان نمادین آرزوها و رؤیاهای روان بشر در اعصار باستان است. اسطوره روایتی مینوی است که بیشترین درون‌مایه آن، در پیوند با آفرینش آشکار می‌شود.

اسطوره بیان زیرساخت‌های اجتماعی و اندیشه مشترک در منابع باستانی است.

اسطوره عقلی کردن نمادین اعمال نمایشی آیینی است؛ زیرا با آیین و مناسک ارتباط دارد و در واقع، گونه شفاهی آن‌هاست.

اسطوره فرهنگ جامعه نخستین بشری و تاریخ مینوی آنان است.

اسطوره بیان نمادین آفرینش و زندگی و مرگ است.

اسطوره افسانه‌ای است که نشان‌دهنده اعتقادات مردم به نیروهای فوق طبیعی است. و در نهایت:

اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است؛ راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است. به بیان دیگر، اسطوره حکایت می‌کند که چگونه از دولتی سرو به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت کیهان یا فقط جزئی از واقعیت، جزیره‌ای، نوع نباتی خاص، سلوک و کرداری انسانی، پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین، اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است. (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴)

اسطوره‌ها رؤیاهای دست‌نیافتنی بشر هستند که برای گریز آن‌ها به جهان واقع، روزنه‌هایی فراهم شده است. آن‌ها نخستین منبع الهام برای اندیشهٔ انسان باستانی‌اند تا او در تمدن بدوی، بتواند عقاید خود را بیان کند و همچنین، در جهت زیست اخلاقی و حفظ اخلاق بکوشد.

اسطوره‌ها به توجیه خردگرایانه تن در نمی‌دهند؛ با این حال، محرک استفسار عقلانی‌اند. همین نکته خود دلیل وجود تنوع توضیحات متعارض است که هیچ‌یک از آن‌ها به قدر کافی برای توجیه اسطوره، جامع و کامل نیستند. (روتون، ۱۳۸۵: ۳)

اسطوره عنصری حیاتی در تمدن بشری است که قداست یا مافوق‌طبیعی بودن را عیان می‌کند و از عنصر مینوی و غیرمادی سخن می‌گوید. داستانی که اسطوره نقل می‌کند، نوعی معرفت باطنی است؛ چراکه با تعلیم و تعلم رمزی منتقل می‌شود و این معرفت با قدرتی دینی، باعث شناخت اصل هر پدیده‌ای می‌گردد.

اسطوره منشأ هر پندار و گفتار و کرداری است که در زمان ازلی یک بار رخ داده و به صورت پیش‌نمونه<sup>۱</sup> درآمده است. نمونه‌ای است که خط‌مشی زندگی انسان‌ها را تنظیم کرده و به آن اعتبار می‌دهد. همچنین، از دید میرچا الیاده<sup>۲</sup>، اسطوره‌شناس رومانیایی، اسطوره همان داستان نمونه است. او می‌گوید:

هر اسطوره، مستقل از سرشتی که دارد، گویای واقعه‌ای است که در ازل<sup>۳</sup> روی داده است و بدین جهت، پیشینه و سابقهٔ نمونه‌ای برای همهٔ اعمال و موقعیت‌هایی به‌شمار می‌رود که بعداً آن واقعه را تکرار می‌کنند. هر آیین که آدمی برپا می‌دارد و هر عمل منطقی و معنی‌دار که انجام می‌دهد، تکرار سرمشتق و مثالی اساطیری است و تکرار، فسخ و القای زبان دنیوی و افتادن آدمی در مسیر زمانی جادویی مذهبی را به دنبال دارد

1. Prototype

2. Mircea Eliade

3. in Illo Tempore

که با دینند،<sup>۱</sup> به معنای حقیقی، دارای هیچ وجه مشترکی نیست؛ بلکه همان «دوام حضور زمان سرمدی» یعنی زمان اساطیری است و این بدین معنی است که اسطوره، همراه دیگر تجارت جادویی مذهبی، آدمی را به دورانی که مسبوق به عدم زمانی<sup>۲</sup> نیست و ازلی،<sup>۳</sup> یعنی زمان فجر و «بهشت آیین» و ماورای تاریخ است، باز می‌برد. (ستاری، ۱۳۷۶: ۲۲۲)

اساطیر از آفرینش کیهان، طبیعت، انسان، مرگ و معاد سخن می‌گویند و زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ هر قومی می‌شوند و همچون پلی، عالم دنیوی و مادی را به عالم اخروی و معنوی پیوند می‌دهند. مخاطبان اسطوره هم تردیدی در صحت آن ندارند و اسطوره را از اثبات و استدلال بی‌نیاز می‌دانند.

ژان کوکتو همواره اسطوره را بر تاریخ راستین ترجیح می‌دهد؛ زیرا تاریخ، مرکب از حقایقی است که در نهایت، دروغ از آب درمی‌آید و اساطیر از دروغ‌هایی ساخته و پرداخته شده است که به مرور به حقیقت تبدیل می‌شود.

باید اذعان کرد که اسطوره یکسره پوچ نیست و صفات نیک شخصیت‌های اسطوره‌ای منبعی است برای تحقیقات. هر چند برخی افراد، هنوز هم اسطوره را حکایتی موهوم می‌دانند که در آن، عواملی که معمولاً از قوای مافوق طبیعی هستند، با چهره‌های انسانی ظاهر می‌شوند و اعمالشان معنای رمزی دارد.

اسطوره جلوه‌گاه هنر و اندیشه هر قومی است و بخشی از مردم‌شناسی فرهنگی است که می‌کوشد توجیهی عمومی برای پدیده‌ها به دست دهد. در این میان، خود با وجود غیر واقعی بودن، ماندگارترین پدیده‌ای است که تعالیم و نیز فرهنگ‌های بسیار روشن و نهفته را در خود جای داده است. اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی

1. Duration

2. a-temporel

3. Illud Tempus

رخ داده و به گونه ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز، می گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت، اسطوره به شیوه ای تمثیلی کاوشگر هستی است.

(اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۱۳)

اسطوره ثمره اندیشیدن بشر است، برای اینکه بتواند به علت وقوع پدیده ها پی ببرد و آن ها را برای خود توجیه کند؛ هرچند، اسطوره نیز همچون هنر، پذیرای تأثیرات هیجانی است و به علم، بهای بیش تری می دهد.

دانشمندان زبان شناس و روان شناس و فلاسفه درباره اسطوره دیدگاه های گوناگونی دارند. اسپنسر، فیلسوف انگلیسی سده هجدهم، می گوید که اساطیر یادی از حوادث تاریخی است. خدایان و قهرمانان، مظهر سلاطین یا پهلوانانی هستند که در گذشته می زیسته و در اذهان آیندگان، خاطره های خوش یا ناخوش از خود به جا گذاشته اند.

ماکس مولر، زبان شناس قرن نوزدهم میلادی، معتقد است برای شناختن ریشه اسطوره باید زبان مردم را بررسی کرد؛ زیرا اغلب، اسطوره ها توصیف شاعرانه مناظر باشکوه طبیعت هستند و اسامی خدایان بر این پدیده ها گذاشته شده است.

پیروان فروید، اسطوره را یادواره ای برای ارضای امیال می شمارند و فریزر، صاحب کتاب شاخه زرین، عقیده دارد که همه اساطیر، اصلاً مربوط به بارآوری و حاصل خیزی طبیعت است. دانشمندان مردم شناس بیشتر بر این عقیده اند که نظریه کلی برای همه اساطیر نمی توان یافت؛ ولی برای اساطیر و ملت می توان تعبیرهای خاص پیدا کرد. در هر حال، این دسته اساس اساطیر را قوه مخیله آدمی می دانند و روان شناسی اسطوره را زائیده خیال و ذهن و روح انسان ابتدایی بیان می کنند. (عقیقی، ۱۳۸۳: ۱۴)

میرچا الیاده اسطوره را صرفاً بیان شفاهی تاریخ مقدس می داند و آن را پدیده ای مذهبی می شمارد و نه ادبی، روان شناختی، اجتماعی یا اقتصادی.

اما کارل گوستاو یونگ،<sup>۱</sup> روان‌شناس سوئسی، از جنبه‌های بیولوژیک، روان‌شناختی، تاریخی و ادبی به اسطوره می‌نگرد و معتقد است که الگوهای اساطیری بر فلسفه، ادبیات، نمایش، موسیقی و سینما تأثیر گذاشته‌اند. اسطوره به واسطه توانایی خلق سلسله‌تصورات رمزی و نمادین، زمینه‌ساز ادبیات شده است. حتی نورتروپ فرای اسطوره را با ادبیات یک‌سان می‌پندارد و می‌گوید که اسطوره اصل سازمان‌دهنده شکل ادبی است.

درواقع، اساطیر تجسم تخیلات ناخودآگاه هستند که می‌کوشند به بشر اطمینان دهند که محال است جهان، بدون طرح و نقشه به وجود آمده باشد. از نظر یونگ، آگاهی<sup>۲</sup> و ناآگاهی<sup>۳</sup>، باز نمود دو مرحله از فرایند تکامل انسان و ضمیر اوست. او آگاهی انسان را به شعور و عقلانیت ربط می‌دهد؛ بنابراین، به لحاظ تاریخی، ناآگاهی یا همان ضمیر پنهان انسان، قبل از آگاهی بوده و درواقع، به وجود آورنده آن است.

یونگ با بسط دیدگاه روان‌کاوانه‌اش، بخشی از ناآگاهی انسان را شامل اساطیری می‌داند که گذشتگان به او منتقل کرده‌اند. همچنین وی اعتقاد دارد که هر انسانی در ناآگاهی فردی‌اش، ضمیر شخصی دارد که دیگران از درک و احساس آن، حتی در زمان وقوع و عینیت اسطوره، عاجزند. یونگ به اندیشه استادش زیگموند فروید<sup>۴</sup> قداست می‌بخشد؛ زیرا فروید ناآگاهی فردی را در تعبیر اساطیر مطرح می‌کند و یونگ ناآگاهی جمعی را که شامل اندوخته‌های عمومی است، بر طریقت اساطیری استوار می‌سازد.

از آنجایی که دین به کشف و شهود ضمیر ناآگاه مرتبط است، باید گفت اساطیر هر قوم دین زنده آن قوم است که از نظر یونگ، فقدانش منجر به ایجاد فاجعه اخلاقی می‌شود.

اسطوره بیان نمادینی است از درام ناهشیار درون روان آدمی که به وسیله فراکنش در اختیار آگاهی بشر قرار می‌گیرد و در

1. Carl Gustav Jung

2. Consciousness

3. Unconsciousness

4. Sigmund Freud

رویدادهای طبیعی منعکس می‌گردد... انسان در توضیح و تبیین اسطوره، به همه چیز اندیشید جز به روان؛ چراکه از دریافت سازوکار فرافکنی عاجز بود. کلید فهم اسطوره، فرافکنش حیات درونی روان بر رویدادهای عینی است. (مورنو، ۱۳۷۶: ۲۰)

کاسیرر نیز اسطوره را شکل نمادین و ازلی در نظر می‌گیرد؛ یعنی به عنوان یکی از آن چیزهایی که مانند زبان، بین انسان و جهان پیرامون او حائل می‌شود تا آن را درک کند.

اسطورهٔ زبانی غیر استدلالی و عمیقاً تصویری است و بی‌شابهت به زبان رؤیاهای فرویدی نیست و در عین حال، باستان‌گراتر و متمرکزتر از زبان اندیشه‌مند و استدلالی نوشته‌های کاسیرر است. (روتون، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

آندره یولس بیان می‌کند که اسطوره افشای وضعیت‌هاست و پاسخی به پرسش‌هایی از این دست است: چرا جهان به وجود آمده است؟ چرا انسان از آن ناخنود است؟ چرا و چگونه پدیده‌ها آفریده شده‌اند؟ و... در اسطوره، همه چیز مخلوق محسوب می‌شود و جهان به دلیل الوهیت و آگاهی بی‌حد و حصر خالقش، هدف و معنا دارد. آگاهی اساطیری با آگاهی هاتفانه مرتبط است و با امور ابدی سروکار دارد.

اندیشهٔ اساطیری نتیجهٔ دورانی است که انسان به طبیعت نزدیک‌تر بود و به یاری تخیلش، الگوی جهان اساطیری را برای خودش می‌ساخت؛ اما با پیدایش تفکرات دینی، توجیهات انسانی انتزاعی‌تر شد و برای بازسازی آن، از قوهٔ تخیل نیز بهره گرفته شد.

اسطوره مانند رؤیا، عقاید و افکار فلسفی و وقایعی را که در زمان و مکان اتفاق افتاده‌اند و نیز تجربیات روانی مهم انسان را به زبان سمبلیک بیان می‌کند. اگر نتوانیم معنای واقعی اساطیر را درک کنیم، مجبور خواهیم بود آن‌ها را تصاویری پیش‌پا افتاده و بدوی از تاریخ دنیا تلقی کنیم و در بهترین وجه، آن‌ها را فراورده‌هایی شاعرانه و زیبا از تخیل انسانی بدانیم. (فروم، ۱۳۸۵: ۲۲۵)

کلود لوی استروس<sup>۱</sup> نیز با نظریه‌ای متفاوت، معتقد است اسطوره راهی است که با کمک آن، انسان می‌تواند امور تحمل‌ناپذیر را زندگی کند؛ بنابراین ساختارگرایی، چنان‌که او اذعان می‌کند، ممکن است اسطوره زمان ما باشد.

ساختارگرایی از مطالعه زبان به مطالعه ادبیات سوق پیدا می‌کند و اصول ساختاردهی را در روابط میان آثار، در کل حوزه ادبیات پی می‌گیرد؛ بنابراین، انجام دادن علمی‌ترین مطالعه ادبی نیز فراهم می‌شود. براین اساس می‌توان به این دیدگاه رسید که اسطوره نیز باعث مطالعه علمی و همه‌جانبه جهان می‌شود.

بررسی کردن اسطوره‌ها، درواقع، پرس‌وجو کردن درباب بازنمایی<sup>۲</sup> است که انسان‌ها از خود و از روابط خود در دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، دارند. نمی‌توان به تحلیل و تجزیه اسطوره پرداخت، بدون اینکه پرس‌وجویی درباره ایفای نقشی که در جامعه‌ای که در آن تجلی می‌کند، صورت نگیرد. (شورل، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

برای شناخت اساطیر، باید دیدگاه‌های مختلف را درباره دانش اساطیر بازشناخت تا به نگاهی نظام‌مند و تحلیل ساختاری، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و دینی رسید و پیوندی آگاهانه با اقوام پیشین برقرار کرد.<sup>۳</sup>

### اتیمولوژی اسطوره

درباره اتیمولوژی<sup>۴</sup> یا بررسی ریشه لغت اسطوره دو نظریه موجود است: یکی اینکه ریشه‌ای عربی دارد و دیگر اینکه مُعرب واژه‌ای یونانی است. لغت‌شناسان بیشتر درباره نظریه دوم اتفاق نظر دارند.

1. C.L.Strauss

2. Representation

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره اسطوره، نک: باستید، روزه، ۱۳۹۲، **دانش اساطیر**، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس، فصل ۲ و ۴؛ واحد دوست، ۱۳۷۹: پیش‌گفتار؛ بهار، ۱۳۸۱: ۳۴۴ و ۳۴۵؛ ثمنی، ۱۳۸۷: ۱۴ و ۱۵.

4. Etymology

در نظریه اول، اسطوره برگرفته از زبان عربی و از ریشه «سَطَرَ» به معنی نوشتن است و اسم آن سَطْر و جمعش اسطاریا اسطیریا اسطوره است. الاسطوره در زبان عربی، به معنی روایت و حدیثی است که واقعیت ندارد. از دگرسو، تسطیر که تفصیل سطر است، در زبان تازی به معنی گرد آوردن افسانه هاست. هرچند، به نظر نمی رسد که این واژه تازی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی های بنیادین افسانه ها آن است که نمودهای فرهنگی مردم هستند و در ارتباط با ادبیات گفتاری و شفاهی، افسانه ها سینه به سینه نقل شده اند و سپس، در قالب اثر ادبی به ادبیات نوشتاری راه پیدا کرده اند.

طبق نظریه دوم، اسطوره برگرفته از لغت یونانی هیستوریا به معنی پژوهش، خبر، داستان و تاریخ است.

انگاره<sup>۱</sup>ی در ریشه و بنیاد واژه اسطوره آن است که شاید این واژه از زبان یونانی یا لاتینی به زبان تازی برده شده باشد و دگرگون شده<sup>۲</sup> واژه یونانی و لاتینی هیستوریا<sup>۳</sup> باشد که به معنی سخن و خبر راست یا جست و جوی راستی است. از این واژه، واژه های ایستوار<sup>۴</sup> در فرانسه و استوری<sup>۵</sup> در انگلیسی که به معنی تاریخ و داستان و قصه است، به یادگار مانده است. در زبان های اروپایی، اسطوره، میت<sup>۶</sup> خوانده می شود که واژه ای است برگرفته از موتوس<sup>۷</sup> یونانی، به معنی حکایت و قصه ای که بیشتر پیوسته نیز هست. از این واژه، واژه هایی چون میتولوژی<sup>۸</sup> به معنی اسطوره شناسی یا دانش اسطوره و میتوگرافی<sup>۹</sup> به معنی اسطوره نگاری، در آن زبان ها به کار برده می شود. (کزازی، ۱۳۸۵: ۲)

گفتنی است معنای لغوی اسطوره در لغت نامه دهخدا، سخن پریشان

1. Idea

2. Historia

3. Histoire

4. Story

5. Myth

6. Muthos

7. Mythologie

8. Mythographie

و بیهوده است. محمد مقدم نیز در کتاب جستاری درباره مهر و ناهید، واژه میتخت را برای اسطوره آورده است. در اوستا، میت به معنی دروغ است و در زبان پهلوی این واژه به میتخت برگردانده شده که همان دروغ نیم‌بند است و ترجمه پهلوی میتولوژی. با این حال، به نظر می‌رسد:

در زبان‌های اروپایی، واژه myth در انگلیسی و فرانسه و myth و mythe در آلمانی، از نظر محتوایی معنایی برابر واژه اسطوره و حالت جمع آن‌ها برابر واژه اساطیر در زبان پارسی است و اصطلاح mythology، در هر سه زبان، برابر اساطیر، علم‌الاساطیر یا اسطوره‌شناسی در زبان ماست. (بهار، ۱۳۸۱: ۳۴۴)

درباره ریشه این واژه، در منابع مختلف ابهام وجود دارد. در زبان سانسکریت، اسطوره به معنای داستان است. در زبان یونانی نیز به معنی جست‌وجو و آگاهی است و در زبان انگلیسی، به مفهوم حکایت و قصه و گزارش است. امروزه نیز با وجود تمامی این معانی، اسطوره «معادل واژه میت (myth) انگلیسی است که خود، برگرفته از muthous یونانی به معنی حکایت و گفتار است». (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۴)

### کارکرد اسطوره

اسطوره از عناصر اصلی فرهنگ قومی جوامع نخستین بوده و علاوه بر اینکه نشان‌دهنده ساختار حیات اجتماعی هر قوم است، نقشی عرفانی و کیهان‌شناختی نیز دارد که باعث درک شگفتی‌های جهان و خلقت می‌شود. اسطوره‌ها منشورهایی را درباره رفتار اخلاقی و دینی تدوین می‌کنند و سرچشمه قدرت مافوق طبیعی هستند.

مهرداد بهار اساطیر را پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی انسان باستانی می‌داند. به‌نظری، اساطیر نه تنها جنبه فرهنگی داشتند، بلکه در زمینه‌های سیاسی نیز کاربرد داشته‌اند؛ زیرا بسیاری از حکام برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش، خود را از نسل خدایان اساطیری می‌دانستند.

انسان نخستین به‌طور طبیعی، نیازهای معنوی داشته که خود نتیجه هراس او از مجهولات بوده است.

انسان نیاز داشت که طبیعت را بشناسد و رازهای آن را کشف کند. او به یاری اسطوره‌ها، معماهای رازناک جهان و طبیعت را برای خود به گونه‌ای نمادین و تمثیلی توجیه می‌کرده است. این بیان تمثیلی و نمادین، ساختار اجتماعی قوم را آشکار می‌سازد؛ بنابراین، با تحلیل اسطوره‌ها می‌توان عقاید و ساخت طبقاتی اقوام باستانی را کشف و آفتابی کرد. (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۱۹)

امروزه، جامعه‌شناسان و مورخان تاریخ ادیان با کمک اساطیر، جوامع باستانی و حتی نمودهای فرهنگی و دینی و... آن را مطالعه می‌کنند. درواقع، چگونگی پیدایش طبیعت و خاستگاه هر پدیده‌ای به کمک روایت اسطوره‌ای عیان می‌شود. حتی در حال حاضر، برخی روان‌کاوان و روان‌پزشکان برای درمان بیماری‌های روحی و روانی، همچون گذشتگان از اساطیر بهره می‌گیرند.

در میان قبایل مختلف بدوی، اسطوره‌های آفرینش نقش ویژه‌ای در درمان بیماران ایفا می‌کند و روایت اسطوره‌ای هنگامی بر زبان آورده می‌شود که هستی فرد به مخاطره می‌افتد. از این رو، با خواندن اسطوره آفرینش و تأثیر جادو و وارآن، درمان بیماران عملی شده است.

با وجود این، اساطیر نه تنها چگونگی پیدایش جهان و دیگر موجودات را بیان می‌کنند، بلکه به خلقت انسان و چگونگی زیست او هم اشاره می‌کنند و به بیانی دیگر، می‌گویند اگر جهان و انسان وجود دارد، همه به دلیل فعالیت موجودات مافوق طبیعی در روز ازل است.

اسطوره علاوه بر اینکه برداشت و توجیه انسان را درباره جهان پیرامونش نشان می‌داد، پاسخ‌گوی نیازهای مادی و روانی و نمونه‌ای از همه اعمال و اندیشه‌های معنی‌دار انسان بود.

اسطوره علاوه بر توجیه جهان، توجیه نقش انسان در جهان هم بود و نیازهای معنوی وی را که محصول بیم و هراس او از ناشناخته‌ها و نیاز وی به پیدا کردن پناه و نگهبان و ایجاد ارتباط با جهان پیرامون بود، برطرف می‌کرد. (بهار، ۱۳۸۵: ۲۵۷)

معمولاً اسطوره‌ها علاوه بر جنبه‌های نظری و توجیهی، کارکردهای بسیار دیگری نیز دارند. آن‌ها علاوه بر اینکه تاریخ ملت‌ها هستند، از نیاکان و پهلوانان ملی می‌گویند و جنبهٔ نقلی و داستانی نیز دارند. مهم‌ترین کارکرد اسطوره «کشف و آفتابی کردن سرمشق‌های نمونه‌وار همهٔ آیین‌ها و فعالیت‌های مفید از آدمی [است]، از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار تربیت و هنر و فرزاندگی. این بینش برای فهم انسان جوامع کهن و سنتی، بی‌اهمیت نیست». (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۷)

نقش تعلیم و تربیتی و جامعه‌شناختی اسطوره و حمایت از نظم مشخص اجتماعی، از دیگر کارکردهای اسطوره است. جوزف کمبل برای اسطوره چهار وظیفه قائل شده است: «نخستین وظیفه جنبه اسرار آمیزبودن و شگفت‌انگیزبودن<sup>۱</sup> آن است؛ یعنی اسطوره تمثیل و استعاره‌ای از تعالی فردی و شخصی است. سفر درونی ماجرای قهرمان، نشان‌دهندهٔ وظیفهٔ متعالی اسطوره است؛ وظیفه‌ای که اجازه می‌دهد تماشاگریا مخاطب با قهرمان یکی شود، درحالی‌که همچنین به هرکس دیگری که از طریق همین اسطوره موردالهام واقع شده است، مرتبط می‌شود. وظیفهٔ دوم اسطوره، شناخت جهان<sup>۲</sup> است؛ یعنی اسطوره‌هایی که به معماها و اسرار جهان پاسخ می‌گویند. اسطوره‌های آفرینش مانند باب‌های سفر پیدایش در کتاب مقدس که به مردم اطلاع می‌دهند که جهان از کجا آمده و به کجا می‌رود، چرا آفریده شد و هدف ما در جهان چیست، در این زمره محسوب می‌شوند. سومین وظیفهٔ اسطوره جنبهٔ جامعه‌شناسی<sup>۳</sup> است؛ یعنی اسطوره‌هایی که قوانینی را برای زندگی در اجتماع وضع کرده‌اند... و چهارمین وظیفهٔ اسطوره پداگوژیکی<sup>۴</sup> است؛ یعنی اسطوره‌هایی که دروس اخلاقی و الگوهای نقشی ارائه می‌کنند تا ما را برای ورود به مراحل مختلف زندگی هدایت کنند». (ایندیک، ۱۳۸۸: ۲۰۹)

1. Functions

2. Mystical

3. Cosomological

4. Sociological

5. Pedagogical

اسطوره زنده و نامیراست و تحت تأثیر قدرت قدسی، حوادث گذشته را به نوعی محقق می‌کند. اسطوره بیان فلسفی براستدلال تمثیلی و تأیید ایدئولوژیک نظام زمان خود نیز هست؛ به طور مثال، نظام طبقاتی دین زردشتی، تأیید ایدئولوژیک ساختار طبقاتی جامعه زردشتی ایران است. این ایدئولوژی می‌توانسته معرف جامعه‌ای باشد که فرد آرزویش را داشته است. با فرض برابری و برادری در آیین‌های مهری، اسطوره تأیید ایدئولوژیک خواست‌های طبقات و اقشار فقیر است که بعدها، در آیین مزدکی و آیین خرم‌دینان بازتاب یافته است. با فرض نظام پهلوانی زورخانه‌ای، اسطوره دنباله‌روی برداشت‌های مهری است؛ درواقع، همان چیزی است که فتوت و جوانمردی و ایدئولوژی برابری در آن موجود است. شناخت اسطوره به معنی شناخت اصل اشیا و دانستن چگونگی پیدایش آن‌هاست که بر اثر آن دانش و شناخت، توفیق تسلط یافتن بر اشیا، در اختیار گرفتن و دست‌کاری آن‌ها و دخل و تصرف روداشتن در آن‌ها، به اراده و دلخواه حاصل می‌آید. این شناخت، معرفتی «بیرونی» و «انتزاعی» نیست، بلکه معرفتی است که به طریقی آیینی، چه از راه نقل اسطوره، طی برپایی تشریفاتی و چه با برگزاری رسم و آیینی که اسطوره در حکم توجیه آن است، همیشه زنده است و زنده می‌ماند. (الیاده، ۱۳۶۲: ۲۷)

مهم‌ترین کارکرد اسطوره از دیدگاه هنر و ادبیات این است که روایتی شفاهی و نوشتاری از افسانه‌های پیشینیان است و می‌شود به هنرهای تجسمی و تصویری و نمایشی تبدیل شود و کارکردی فرهنگی هنری داشته باشد. امروزه، اساطیر بزرگ‌ترین منبع پیدایش ادبیات داستانی و دراماتیک و همچنین، آثار هنری دیگری همچون موسیقی و مجسمه‌سازی و... هستند.

بسیاری از آثار ادبی و هنری معاصر چون آثار سوررئالیستی، اکسپرسیونیستی، رمان‌های روان‌کاوانه، نیز آثاری در مکاتب رئالیسم جادویی و فرانویسم (پست مدرنیسم)، نیاز به تحلیل

اساطیری دارند و کلاً یکی از دیدگاه‌های نقد ادبی را تحلیل

اسطوره‌ای تشکیل می‌دهد. (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶)

تخیلی که در اسطوره متجلی است، مشابه تخیلی است که در هنر جلوه‌گر می‌شود. در هنر، تخیل عامل مؤثر برای فرد هنرمند است؛ حال آنکه در اسطوره، تخیل عاملی است گروهی که به صورت شفاهی وارد آن می‌شود و درواقع، اسطوره تجلی هنری بخشی از اندیشه‌های دینی بشر دوران ابتدایی است. البته، به نظر می‌رسد کارکرد آیینی اسطوره در ایران، بعدها به کارکرد حماسی تبدیل شده و قهرمان‌پروری و ذکر خاطرات حماسی ملت مهم‌تر جلوه داده می‌شود؛ مثلاً رستم پهلوانی حماسی است که بنابه ضرورت، در دورانی پرمخاطره نقش منجی را برای ملت ایران بازی می‌کند.

اسطوره و نگرش اسطوره‌ای که مشخصه عصر باستان است، علی‌رغم همه تفاوت‌هایش با تفکر عقلانی عصر جدید، باید به دلیل بینش عام و بنیادین، ساخت پیچیده و مستحکم درونی، بیان هنری پیشرفته، غنای نمادین و محتوای عمیق فلسفی و اخلاقی آن، از خرافات و مناسک جادویی اقوام بدوی متمایز شمرده شود. معرفی اسطوره، به منزله نگرشی ماورای عقلی و قراردادن آن در مقابل عقل زیون، بیشتر بیانگر گرایش‌های خردستیز دوران معاصر است تا ماهیت درونی خود اسطوره. در تقابل با این نظر، برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که اسطوره را نخستین تلاش عقلانی بشر برای رویارویی با قلمروی ظلمانی ناشناخته دانسته‌اند. (اباذری، ۱۳۷۲: ۹)

اسطوره از این بُعد مهم است که از مافوق‌الطبیعه سخن می‌گوید و در مناسک دینی نقش دارد؛ چنان‌که برخی اسطوره‌شناسان نیز به ارتباط میان اسطوره و آیین و مناسک می‌پردازند. اسطوره‌ها منشورهایی درباره رفتار اخلاقی و دینی ارائه می‌دهند و عقاید را تبیین و تدوین می‌کنند و سرچشمه‌های قدرت مافوق‌الطبیعه و درواقع، جهان‌بینی بشر هستند. اسطوره از گذشته و آینده و حوادث بنیادین، مثل آغاز و پایان گیتی

و آفرینش موجودات، سخن می‌گوید؛ از اینکه چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره تاریخ نخستین و معنوی هر جامعه است و با زبان جامعه‌ای مطابقت دارد که از آن برخاسته است؛ بنابراین، زبان و اسطوره کارکردی مشترک دارند و از راه متون ادبی، حقایق گذشتگان را بیان می‌کنند.

برای انسان عصر اساطیری، اساطیر پلی است میان وی و پدیده‌های جهان پیرامونش که از طریق ذهنی، پیوند او را با جهان برقرار می‌سازد و به صورت بنیادی عقیدتی، در پیوند با آیین‌ها، رفتارها، اخلاقیات و مقررات نظام سنتی اجتماعی و خانوادگی، انعکاسی خارجی و عینی می‌یابد. بنابراین، اساطیر خویش‌کاری فردی و اجتماعی دارند و این خویش‌کاری نیزکنش‌های متعدد و متفاوت مادی و معنوی دارد که معمولاً:

۱. وجود جهان و انسان را توجیه می‌کند و درواقع، نوعی بُعد

فلسفی به هستی‌شناسی ابتدایی می‌بخشد؛

۲. سازمان‌ها (حکومت) و ساخت‌های اجتماعی را توجیه و

تثبیت می‌کند و عملاً نقشی ایدئولوژیک دارد؛

۳. آیین‌ها را که یگانگی فرد را با اجتماع و فرد و اجتماع را

با طبیعت برقرار می‌سازد، توجیه می‌کند و بدان‌ها ارزش و

تقدس می‌بخشد؛

۴. آداب و رفتار اجتماعی و درون طبقه‌ای را هرگاه طبقات

شکل گرفته باشد، تعیین و توجیه و تثبیت می‌کند؛

۵. آثار متعدد روانی و روان‌درمانی دارد. (بهار، ۱۳۸۱: ۳۷۲)

### انواع اسطوره در باورهای ایرانی

برای شناخت هر قومی، باید اساطیر آن قوم را شناخت تا بتوان به ژرفای اندیشه‌های آن قوم پی برد. در ایران نیز اساطیر و بن‌مایه‌های مختلف اساطیری موجب شده است تاریخ پربارتر شود و انواع اسطوره‌ها کارکردهای خود را آشکار کنند.

اسطوره‌های ایرانی، قصه‌ها و داستان‌هایی کهن هستند که موجوداتی خارق‌العاده یا ماوراءالطبیعی را شامل می‌شوند.

این اسطوره‌ها که از گذشته افسانه‌ای ایران برجای مانده‌اند، دیدگاه‌های جامعه‌ای را منعکس می‌کنند که در آغاز به آن تعلق داشته‌اند: دیدگاه‌های این مردم نسبت به رویارویی خیر و شر، اعمال خدایان و دلوری‌های قهرمانان و موجودات افسانه‌ای. اسطوره‌ها، در فرهنگ ایرانی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. (کرتیس، ۱۳۸۳: ۳)

در ایران، قهرمانان اساطیری به دو دسته تقسیم می‌شوند: مینوی و دنیوی. اساطیر مینوی مختص امشاسپندان و ایزدان و درنهایت، دیوان است. از اساطیر دنیوی هم هوشنگ، جمشید، ضحاک، فریدون، سیاوش، آرش و... نمونه‌های قهرمانان اسطوره‌ای هستند.

از منظری دیگر، اساطیر را این‌گونه می‌توان تقسیم کرد: اساطیر رستاخیزی، اساطیر ایزدان و باشندگان متعال، اساطیر نجات‌بخشی، اساطیر قدیسان، اساطیر کاهنان و شهریاران، اساطیر بخت و تقدیر، اساطیر باز زایی و نوئندگی، اساطیر یاد و فراموشی، اساطیر پهلوانان، اساطیر جانوران و گیاهان و مهم‌تر از همه، اساطیر ریشه وئین.

در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان اسطوره‌ها را در شش دسته قرار داد:

۱. اسطوره‌های آیینی: هر رسم و آیینی برگرفته از اسطوره است و کار آیین، فراهم کردن موقعیت‌هایی است که زندگی اجتماعی به آن‌ها وابسته است. از این لحاظ، اسطوره آیینی شاید کهن‌ترین نوع اسطوره باشد که با مراسمی در معابد اجرا می‌شد.

۲. اسطوره خاستگاهی: <sup>۲</sup> اسطوره خاستگاهی به علت شناختی و پیدایی جهان می‌پردازد، همچون اسطوره بنیاد.

۳. اسطوره کیش: <sup>۳</sup> با پیدایش ادیان چندخدایی در دوران مفرغی و بعد ادیان تک‌خدایی در دوران آهن، این اسطوره بیشتر به چشم می‌آید؛ به خصوص که در ادیان تک‌خدایی، به جای اتکا بر جادوگری، قواعد اخلاقی مدنظر است. این اسطوره نیز توصیف‌کننده اوضاع و احوال

1. Ritual myth

2. Mythaeitiological

3. Cult myth

پیروان این ادیان است و کارکرد آن حفظ تداوم همان اوضاع و احوال. این اسطوره‌ها در پیوند با جشن‌ها و مراسم قومی ملت‌ها نمود بیشتری دارد.

۴. اسطورهٔ فرجام:<sup>۱</sup> این اسطوره به جهان پس از مرگ و فرجام جهان می‌پردازد.

۵. اسطورهٔ بنیاد:<sup>۲</sup> اساطیر ریشه و بُن، مهم‌ترین نوع اساطیر هستند و با اسطوره‌های مربوط به آفرینش و شناخت جهان و پدیده‌های آن مرتبط هستند.

این اساطیر دربارهٔ خاستگاه و سرچشمهٔ جهان است؛ دربارهٔ آفرینش و آفرینندهٔ کیهان و کلاً دربارهٔ خاستگاه و سرچشمهٔ جهان است؛ دربارهٔ آفرینش و آفرینندهٔ کیهان و کلاً دربارهٔ سرآغاز است. (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۶۴)

اساطیر ریشه و بُن، اسطورهٔ آفرینش کیهان و دگرگونی و شکل‌گیری جهان را بررسی می‌کنند و حکایت می‌کنند که چگونه دنیا دگرگون شده است. ۶. اسطورهٔ شخصیت:<sup>۳</sup> این اسطوره‌ها از تولد قهرمانان سخن می‌گویند و آنان را در حاله‌ای از شگفتی و رمز و راز نشان می‌دهند.

البته اسطوره‌ها را می‌توان به اشکال دیگری هم تقسیم‌بندی کرد. مهوش واحد دوست در کتاب نهاده‌های اساطیری در شاهنامهٔ فردوسی، آن‌ها را با نگاهی دیگر دسته‌بندی می‌کند؛ هرچند، به نظر می‌رسد دیدگاه او تفاوت آن‌چنانی با نظریهٔ اول نداشته باشد. وی معتقد است که اسطوره‌ها عبارت‌اند از:

۱. اسطوره‌های مبدأ که آفرینش و پیدایش عالم وجود را از خلقت کیهان گرفته تا انسان و سایر موجودات، شامل می‌شود؛  
۲. اسطوره‌های پایان جهان و رستاخیز که دربارهٔ منشأ مرگ و پایان جهان گفت‌وگو می‌کند؛

۳. اسطوره‌های انتظار و امید که به وجود منجی موعود معتقد است؛

1. Mytheshatological

2. Origin myth

3. Prestige myth

۴. اسطوره‌های مربوط به قهرمانان تاریخی؛
۵. اسطوره‌های مرتبط با زمان و ابدیت و اینکه مثلاً عمرگیتی در دین زردشتی ۱۲ هزار سال است.
۶. اسطوره‌های سرنوشت که به پیش‌بینی‌های سرنوشت و تأثیر اختران بر آن می‌پردازد.
۷. اسطوره‌های نوزایی و تجدید که به حیات مجدد گیتی و رسیدن به مرحله بلوغ و گذر اشاره می‌کند؛
۸. اسطوره‌های دینی که به بنیان‌گذاران ادیان مربوط می‌شود؛
۹. اسطوره‌های مربوط به خدایان آسمانی؛
۱۰. اسطوره‌های تغییر شکل که با دگرگونی‌های کیهانی در پایان زمان نخستین مرتبط است. این اسطوره‌ها همچنین به آیین‌های آشناسازی ارتباط دارد که موجب دگرگون شدن موقعیت و هستی انسان می‌شود.

### پیدایش اسطوره

پیدایش اسطوره در ایران، به هزاره پنجم قبل از میلاد می‌رسد و برای اولین بار در آثار سیلک از ایزدانوی آب نام برده شده است. البته با وجود سابقه هفت هزارساله اساطیر باستانی ایران، پیشینه پژوهش‌های اسطوره‌شناسی در کشور تنها چند دهه است و این میزان درمقایسه با عمر دوپست‌ساله اسطوره‌شناسی جهان بسیار ناچیز است.

اساطیر بر اساس انعکاس ساخت‌های اجتماعی و تفسیر تحولات پدیده‌های طبیعی به وجود آمده و از میان روابط خدایان و انسان‌ها بوده، شکل گرفته است که این خود، منعکس‌کننده وضع اجتماعی دوران شکل‌گیری هر اسطوره‌ای است.

در ادوار اساطیری، انسان همیشه مایل بوده به آغاز، یعنی به روزاقل که به‌زعم او خدایان جهان را آفریدند، بازگردد و با این بازگشت، می‌خواسته است خود را در آغاز جهان قرار دهد و به این ترتیب، زمان خود و خدایان را یکی کند. (بهار،

(۱۳۸۵: ۲۶۰)

با این وصف، یکی از دلایل پیدایش اساطیر همین تمایل انسان به تکرار کردار خدایان و نیاکان نخستین است؛ وگرنه، تکرار تاریخ به آن صورتی که امروزه مدنظر است، محل توجه انسان باستانی نبوده است. اسطوره‌ها از بین نمی‌روند؛ بلکه به مقتضای پیشرفت جامعه، در جلوه‌ای تازه نمود می‌یابند. به همین دلیل است که اسطوره‌شناسان بسیاری تحقیقات فراوانی در این باره ارائه داده‌اند؛ از جمله، میرچا الیاده، ژرژ دومزیل، لوی استروس، کارل گوستاو یونگ، الکساندر کرپ، ماریان موله، ژاک دوشمن گیمن، مهرداد بهار، ژاله آموزگار، جلال ستاری، کتایون مزدپور و ... .

### جهان‌بینی اسطوره‌ای

در اغلب جهان‌بینی‌ها و اندیشه‌های مذهبی، انسان غایت آفرینش منظور شده است؛ بنابراین، تفسیر تمام پدیده‌های خلقت به منظور شکل دادن به انسان یا معنی کردن او صورت می‌گیرد. یافتن هسته مرکزی اسطوره بر مبنای زندگی اجتماعی انسان و اندیشه‌های اوست؛ بر اساس اینکه آیا انسان در دوره اساطیری تلاش کرده است تا بر مبنای الگوهای اسطوره‌ای زندگی کند یا برعکس صورت عالی، الگوهای زندگی زمینی خود را رنگ و بوی مینوی زده و در ادامه، آن را در جریان واقعی دوران ازلی جهان و آغاز آفرینش دانسته است. شناخت چرایی و چگونگی پیدایش بسیاری از جنبش‌های دینی و فرهنگی اقوام مختلف در گرو شناخت اساطیر و اندیشه‌های بنیادین آن‌هاست و چگونگی تبیین آفرینش جهان، اغلب، به چگونگی تبیین زندگی زمینی و تعیین شیوه‌های آن منجر می‌شود.

اساطیر تصاویری را از ورای هزاره‌های پیشین زنده می‌کند و هنگامی که همه چیز از بازگویی گذشته درمی‌ماند، اساطیر دست یاری گشوده و از دیدگاه و اندیشه مردمان پیشین درباره جهان و اعتقادشان سخن می‌گوید. شناخت این اساطیر به شناخت فرهنگ غنی ملت‌ها منجر می‌شود و از تحولات آن‌ها، به موازات تحولات اجتماعی زندگی مردم می‌گوید. اسطوره نشان دگرگونی در ذهن بشر است و ارتباط او با جهان و خالقش. استوارترین بنیاد اسطوره‌ای باور به یگانگی جهان و انسان است. در جهان‌بینی اسطوره‌ای، انسان و جهان از یکدیگر جدا نیستند.